هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهاد کنند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان



قرآنکریم پایه گذار تعقل و تمدن است، ملت های مسلمان باید به ارزش های دینی شان پای بند باشند.

از سخنان رهبر شهید

دور ششم –سال سیزدهم – شمارهٔ ششم ۲۰ ثور ۱۳۹۳ ۱۰ رجب المرجب ۱۴۳۵ 10 May 2014

با نهایت تاسف و تاثر، چند روزی از جاری شدن سیلاب در ولایت های جوزجان، سرپل، فاریاب، بادغیس و سمنگان که در آن بیش از پنج هزار خانه ویران، هزاران جریب زمین زراعتی تخریب و صدها هموطن ما جانهای شان را از دست داده اند، نمی گذرد که روز (جمعه ۱۲ ثور) بر اثر لغزش زمین در قریهٔ آب خشک/آب باریک ولسوالی ارگوی ولایت بدخشان بیش از ۲۰۰ خانه ویران و صدها نفر در زیر گل و خاک مدفون گردیده اند.

از بارگاه رب العزب برای گذشتگان هر دو حادثهٔ المناک بهشت برین استدعا دارم، صبر جمیل برای بازماندگان و شفای عاجل برای زخمیان خواهانم. همچنان از حکومت افغانستان و بخصوص نهادهای مسؤول ولایتی و مرکزی می خواهم تا هر چی زودتر اقدامات عاجل را روی دست گرفته و به کمک آسیب دیده گان اقدام نمایند.

صلاح الدین ربانی رئیس جمعیت اسلامی افغانستان

صلاح الدین ربانی رئیس جمعیت اسلامی افغانستان در میان جمعی مردم در منطقهٔ آب باریک ولسوالی ارگوی ولایت بدخشان:

من دراین غم و مصیبت بزرگ شما شریک هستم

ص۳



فاجعهٔ روستای آب باریک، ابعاد افقی و عمودی آن

ص۲





آسیب دیده گان حوادث اخیر را یاری رسانید

ص۲

همدردی اقوام مختلف افغانستان در برابر هرنوع حوادث طبیعی و غیر طبیعی

ص۴

نشست مشورتی تیم اصلاحات و همگرایی با هم پیمانان جدید

ص۲



استاد عطا محمد نور رئیس اجرائیوی جمعیت اسلامی افغانستان و والی بلخ:

انتخابات نه در دور اول قومی بود و نه در دور دوم قومی می شود

ص۳



مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: شهید استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: شیرپور سرک دوم دست راست، خانهٔ ۱۰۶۵
شمارهٔ تلفن:۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵/ ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo&hotmail.com

سرمقاله

آسیب دیده گان حوادث اخیر را یاری رسانید

مصیبت واردهٔ دسته جمعی در بدخشان، سخت تکان دهنده و بی پیشینه در کشور بوده است. در حادثهٔ دلخراش و غم انگیز رانش زمین در منطقهٔ آب باریک ولسوالی ارگوی این ولایت، که جمعی از هموطنان عزیز ما جان های شان را از دست دادند و جمع دیگری بی خانمان و مجبور به ترک خانه های شان شدند، جمعیت اسلامی افغانستان مراتب اندوه و تسلیت خویش را به تمام مردم افغانستان و بازماندگان این حادثهٔ غم انگیز ابراز می دارد. رهبری جمعیت با اطلاع یافتن از حادثه، با برخی مقامات دولتی به محل حادثه شتافت و در بسا مشکلات اهالی آن دیار رسیدگی و مساعدت نمود.

در سه هفتهٔ اخیر تعدادی از هموطنان عزیز ما در اثر حوادثی طبیعی - رانش زمین، لغزش معدن زغال سنگ، سرازیر شدن سیلاب های مدهش - و همچنان حملات انتحاری در برخی ولایات، جان های شیرین شان را از دست دادند و به جاودانه گان پیوستند و مردم افغانستان و بسته گان شان را به سوگ نشاندند. روح همهٔ شان را شاد و جایگاه شان را از بارگاه ایزد متعال بهشت برین مسئلت می نماییم و به مجروحین این حوادث شفای عاجل می طلبیم.

از کمیتهٔ اضطرار، ریاست مبارزه با حوادث طبیعی و نهادهای کمک رسان ملی و جهانی و مردم خیر اندیش کشور می خواهیم تا به کمک آسیب دیده گان حوادث اخیر که سخت نیازمند اند، رسیده گی نمایند. گرچه در زمینه کارهای انجام شده که بسنده و گِره کشای مشکلات مردم آسیب دیده نیست. بر دولت است تا در مورد انسجام و هماهنگی کمک ها میکانیزمی قابل اطمینانی را ایجاد نماید تا از حیف و میل مساعدت ها جلوگیری و به مستحقین آن برسد. با فسادی که دامنگیر این کشور است، نشود روحیهٔ همدردی و همبستگی و باورمندی ها خدشه دار گردد.

با وجود امکانات وافر داخلی و خارجی که بیش از چهل کشور با ساز و برگ پیشرفتهٔ عصر در کشور ما حضور دارند - عملیات نجات و بیرون کشیدن قربانیان حادثهٔ المبار بدخشان، که احتمال زنده ماندن تنی چند می رفت، همچنان در بیرون کشیدن اجساد از زیر آوار، دولت ناکام خوانده شده است زیرا برنامه ای برای آمادگی های پیشگیرانهٔ حوادث وجود ندارد تا حین وقوع آن مدیریت شود. بناءً حین بروز رویداد المناک همانند ارگوی بدخشان، رسیدگی را دشوار می سازد و به مقبرهٔ دسته جمعی جانباختگان مسمی می گردد!

فاجعهٔ روستای آب باریک

ابعاد افقی و عمودی آن



نذرالله عنایت

روز جمعه تاریخ ۱۲ثور رانش زمین در روستای آب باریک ولسوالی ارگوی ولایت بدخشان، نزدیک به سه صد خانه را بلعید. در این رخداد طبیعی به صدها خانوادهٔ گیر ماندند و جان های خود را از دست دادند. آمارهای ارائه شده از سوی مقامات مسؤول در بدخشان، قربانیان رخداد را بین ۲۵۰۰ الی ۳۰۰۰ هزار گفته اند. اما برخی ها نیز گفته اند تعداد قربانیان کمتر از آن است که مسؤولان ادعا کرده اند.

دلیل این که این آمار تا هنوز دقیق مشخص نشده این است که احصائیهٔ نفوس در این منطقه تا هنوز صورت نگرفته و همه چیز برنبیاد تخمین ها و موجودیت خانوار محاسبه شده است. دلیل این که چرا آمار مشخص نیست، این موضوع اساس و نیات سیاسی دارد و حکومت افغانستان طی ۱۳ سال اخیر نتوانست و یا هم نخواست به آن رسیدگی کند.

چیزی که بسیار تکان دهنده بود وقوع این رویداد و تلفات به جا مانده از این رویداد است. شاهدان عینی از محل گفته اند رخداد رانش زمین در بدخشان یک فاجعهٔ کلان انسانی بود که کم سابقه است. برای همین بزرگی فاجعه پای حکومت افغانستان، جامعهٔ بین المللی، خبرنگاران و نهادهایی خیریه را به روستای آب باریک، جای که به دهها انسان در زیر آوارها گیرمانده اند، کشاند.

حامد کرزی رئیس جمهور کشور و معاونان ریاست جمهوری طور جداگانه به محل حادثه رفتند و به بازماندگان این رخداد اظهاری همدردی کردند. باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا، مقامات ایرانی، من موهان سینگ صدر اعظم هند، کشور چین، اتحادیهٔ اروپا، سازمان ملل متحد و برخی از کشورهای دیگر از این رویداد ابراز تأثر کردند. احزاب سیاسی، نهادهای خیریه، انجمن ها، اتحادیه های صنفی ضمن ابراز تأسف با جمع آوری کمک ها در شهرها پرداخته تا به آسیب دیدگان یاری رسانند. واکنش مردم در سراسر افغانستان از جنوب تا به شمال، فعالان سیاسی به طور گسترده از طریق صفحات رسانه های اجتماعی انعکاس گسترده داشت و حس یک ملت واحد را به نمایش گذاشت.

نامزدان پیش تاز ریاست جمهوری آقایان داکتر عبدالله عبدالله و داکتر اشرف غنی احمد زی به محل حادثه رفتند و با قربانیان این رخدا اظهار غم شریکی نموده و مقداری از کمک ها را توزیع نمودند. طی روزهای اخیر اتحادیهٔ اروپا، سازمان ملل و تعدادی از کشورها از جمله آمریکا، هند، چین، عربستان سعودی، ایتالیا و برخی کشورهای دیگر نیز گفته اند که سعی می‌کنند، امداد رسانی به بدخشان با قدرت بیشتری انجام شود.

نگرانی در مورد اجساد جان باختگان

حکومت افغانستان تا هنوز نتوانسته است کشیدن اجساد قربانیان از زیر آوارها به بلندی ۵۰ متر خاک می باشد درست انجام دهد. در روزهای نخست حادثه گفته اند که باید در این محل مزار دسته جمعی ساخته شود و همه اجساد به شکل که جان داده اند به عنوان یادگار حوادث طبیعی باقی بمانند. تصویر ها نشان داد که برخی ها نماز جنازه بالای آوارها خواندند. اما در پی اعتراض های بازماندگان این رخداد و جامعهٔ مدنی، حکومت در تصمیم خود تجدید نظر نمود و به مردم وعده داد که اجساد را از زیر خاک بیرون می کشد. چنانی که حامد کرزی با حضور در محل به مردم وعده داد که اجساد قربانیان را از زیر خاک بیرون و برای بازماندگان سرپناه می سازد.

نگرانی در پخش و توزیع کمک ها

سازمان جهانی غذا که به دهها تُن مواد خوراکی را به ولسوالی ارگو رسانیده می‌گوید که، نگران چگونگی پخش کمک‌ها است. صلیب سرخ و سازمان بین‌المللی مهاجرت تشخیص کرده که دست کم ۷۰۰ خانواده به کمک‌های فوری و مواد اولیهٔ زندگی نیازمند هستند.

اما کسی دقیق نگفته است که میزان نیازمندی متضررین چقدر است و نیازمندی با سیلی از کمک ها چه تناسبی دارد. خیلی ها به این باور هستند که کمک های زیادی به بدخشان رسیده ولی تشخیص نیازمندی و نحوهٔ توزیع کمک ها سوال برانگیز است.

در تماسی که با مردم محل داشتم گفته اند: کمک‌های زیاد به ساحه سرازیر شده‌است. کمک ها شامل مواد غذایی و غیر غذایی، خیمه، کمپل، پتو، روجایی، پکنیک گاز... هم از طرف ادارات مختلف دولتی، افراد و گروه ها، سازمان‌های جهانی و کشورهای خارجی به محل رسیده است. اما مشکلی که مردم ارگو را نگران کرده چگونگی توزیع مواد غذایی است.

با این حال همانگونه که آمار دقیق تلفات مشخص نیست، مقدار و میزان دقیق کمک ها تا هنوز نا مشخص است. هرچند حکومت کمیسیونی را در این زمینه مؤظف ساخته است، اما در توزیع کمک‌ها دستانی از مقامات حکومتی (مرکزی و محلی) تا افرادی به سطح افراد زورمند هستند که قصد حیف و میل کردن کمک ها را دارند.

جنجال برسر توزیع

چنانی که دیدیم درحالی که نه مقدار مجموعی کمک‌ها حساب شده و نه هم میزان موادی که تاکنون توزیع شده است معلوم است، افراد یک فرماندهٔ محلی و یک وکیل پارلمان بر سرچگونگی توزیع کمک ها سنگرگیری نموده جریان توزیع را برای دو روز اخلال کردند. ضرب المثل مشهوری دراین مورد صدق می کند (بز در غم جان و قصاب در غم چربی) ص۷

نشست مشورتی تیم اصلاحات و همگرایی با هم پیمانان جدید

روز چهارشنبه ۱۷ ثور تیم اصلاحات و همگرایی در اقامتگاه صلاح الدین ربانی رئیس جمعیت اسلامی افغانستان و رئیس شورای عالی صلح تشکیل جلسه دادند. این جلسه که با اشتراک هم پیمانان این تیم برگزار گردیده بود، روی موضوعات مختلف از جمله مسایل سیاسی و اجتماعی بحث صورت گرفت.

رسیدگی به بازماندگان رخدادهای طبیعی در شمال و شمال شرق کشور، آیندهٔ مبهم سرنوشت آرای مردم، موضوعاتی بودند که اعضای جلسه به آنها تماس گرفته اند.

دراین جلسه تمام اشتراک کنندگان تأکید بر این داشتند تا کمیسیون های انتخاباتی سرنوشت آرای تقلبی شفاف و نا شفاف انتخابات را معلوم و پس از آن در پرتو شمارش و باز بینی آرا آیندهٔ سیاسی کشور مشخص شود.



شهید صلح استاد برهان الدین ربانی رهبر جهاد و مقاومت، فرماندهٔ نستوه قهرمان ملی احمد شاه مسعود، داکتر عبدالله عزام و تعدادی از مجاهدان در تخار

انتخابات نه در دور اول قومی بود و نه در دور دوم قومی می شود

مدیر مسؤول روزنامهٔ آرمان ملی، مصاحبهٔ اختصاصی با محترم استاد عطامحمد نور رئیس اجرائیوی جمعیت اسلامی افغانستان و والی ولایت بلخ، انجام داده بود که در شمارهٔ (۲۸) مورخ ۱۳ ثور سال جاری در آن نشریه به نشر رسیده است. هفته نامهٔ مجاهد با اهمیت این مصاحبه که به موضوع داغ روز –انتخابات- تماس گرفته است، به نشر می سپارد. (اداره)

انتخابات ریاست جمهوری چگونه برگزار شد؟ آیا شما از نتایج ابتدایی انتخابات که به وسیلهٔ کمیسیون انتخابات اعلام گردید راضی هستید و یا خیر؟

به نام خداوند (ج)، باید در مورد این پرسش شما گفته شود که پیش از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری، دولت، مردم و حتا دوستان بین المللی ما دلهره داشتند و نگران بودند که انتخابات آن گونه که لازم است برگزار نخواهد شد و تهدید های امنیتی که از سوی تروریستان پیهم ابلاغ می شد و در برخی از رسانه ها بازتاب می یافت، فکر می شد که مردم کشور در انتخابات، کمتر اشتراک می کنند و از ترس طالبان مراکز رأی دهی خلوت خواهد بود.

اما برخلاف این تصور، مردم ما به گروه های هراس افگن (نه) گفتند و با حضور میلیونی شان در روز انتخابات ثابت کردند که آنها طرفدار نظام مردم سالار اند و این اشتراک گستردهٔ مردم در انتخابات همه مردم جهان را متعجب ساخت، تروریستان شکست خوردند و به این نتیجه رسیدند که مردم از آنها بیزار اند و ما به این نتیجه رسیدیم که آیندهٔ مردم و کشور ما روشن و بسیار امیدوار کننده است.

اما اعلام نتایج ابتدایی؟

در این رابطه باید گفته شود که تیم اصلاحات و همگرایی با ارزیابی هایی که صورت گرفت حدود هفتاد فیصد آرای مردم در روز انتخابات را به دست آورد و باید کمیسیون انتخابات پیروزی این تیم را در دور اول اعلان می کرد، اما برخی از اعضای کمیسیون با دستور برخی نهادها و افراد، آرای تیم اصلاحات و همگرایی را با مهندسی یی که انجام دادند، ۴۴,۹ اعلان کردند و از پیروزی داکتر عبدالله در دور اول جلوگیری به عمل آوردند که به باور ما کمیسیون در برابر انتخابات از عدالت و انصاف کار نگرفت و با احترام به اعضای صادق و وطن دوست کمیسیون شاید روزی آن عده از اعضای کمیسیون انتخابات که در تقلب و توطئه دست داشتند، از پیگیرد قانون مصون و از جانب ملت بی حساب نخواهد ماند.

از این نظر و موضع شما معلوم می شود که شما از داکتر عبدالله در انتخابات ریاست جمهوری حمایت کرده اید؟

ما پیش از این از کاندیداتوری داکتر عبدالله حمایت کرده بودیم اما از امکانات دولتی در جریان انتخابات قطعاً به نفع وی استفاده نکرده ایم و برای هرکاندیدا زمینه را مساعد ساختیم که در بلخ بیایند و برنامه های شان را برای باشنده گان این ولایت توضیح بدهند و فرصت برابر را به هر نامزد مهیا کردیم اما به این نظر بودیم که داکتر عبدالله بهترین نامزد است و به همین منظور از وی حمایت کرده ام و به وی رأی دادم و این حق سیاسی هر شهروند کشور است.

حال که گفته می شود انتخابات به دور دوم می رود آیا باز هم امیدوار هستید که داکتر عبدالله پیروز می شود و اگر انتخابات در دور دوم قومی شود، چطور؟

زمانی که تیم اصلاحات و همگرایی با وجود توطئه ها، توانست در دور اول ۴۴,۹ فیصد آرای مردم کشور را به دست آورد، نتیجهٔ دور دوم بسیار روشن است.

پیوستن نامزدان دیگر ریاست جمهوری به تیم اصلاحات و همگرایی ادامه دارد و من اطمینان دارم که بیشتر نامزدان به تیم اصلاحات و همگرایی می پیوندند.

من باور دارم که در دور دوم اشرف غنی احمدزی چنان شکست خواهد خورد و از صحنهٔ سیاسی کاملاً حذف خواهد شد، زیرا به نظر من اشرف غنی پایگاه اجتماعی ندارد و آن عده از کسانی که از وی حمایت کرده اند بیشتر افکار چپی دارند و مارکسیست بودند و آنها ریشه در عمق جامعهٔ مسلمان ما ندارند و از حمایت مردم برخوردار نیستند. از سوی دیگر ما باور داریم که انتخابات نه در دور اول قومی بود و نه در دور دوم قومی می شود.

در دور اول داکتر عبدالله در مناطق پشتون نشین رأی قابل ملاحظه داشت و برادران پشتون ما از وی حمایت قاطع کردند. گرچه آقای اشرف غنی احمدزی قصد دارد که انتخابات در دور دوم را قومی جلوه بدهد اما مردم ما پس از این در هیچ مسأله قومی فکر نمی کنند و آهسته آهسته فکر سیاسی و ارزش های ملی جای قومیت را در کشور می گیرد و ما شاهد این خواهیم بود که اکثریت برادران پشتون و نخبه گان آنها از داکتر عبدالله حمایت خواهند کرد و هیچ تشویش از قومی شدن انتخابات در دور دوم را نداریم.

به نظر شما شخص رئیس جمهورآقای حامد کرزی از کدام نامزد جانبداری کرده است و می خواهد کدام نامزد زعامت کشور را به دست گیرد؟ داکتر عبدالله و یا داکتر اشرف غنی احمدزی؟

من پیش از این درگفتگو با رسانه ها به ویژه روزنامهٔ آرمان ملی گفته بودم که حکومتی به رهبری جناب حامد کرزی دستآورد های زیادی دارد که قابل ستایش است. وی-افغانستان ویران را تسلیم شد و در دوران ریاست جمهوری اش توانست چهرهٔ کشور را تغییر بدهد.

آزادی بیان و پیشرفت های چشم گیر در عرصه های نظامی، آموزش و پرورش و اقتصاد از دستآوردهای مهم دورهٔ جناب کرزی است که باید این خدمات وی به هیچ صورتی نادیده گرفته نشود، من باور دارم در صورت پیروزی داکتر عبدالله، جایگاه کرزی مشخص خواهد بود و همواره جناب ایشان مورد احترام قرار خواهند گرفت و از تجارب وی استفاده خواهد شد.

اما در صورت پیروزی داکتر اشرف غنی احمدزی که حال پیروزی وی ناممکن است، عقده گشایی و پرونده سازی جای همکاری را خواهد گرفت و بعید نیست که اگر اشرف غنی پیروز شود تمام انرژی خود را در محاکمهٔ اعضای حکومت کرزی به مصرف خواهد رسانید.

پیام شما دراین مقطع حساس کشور به مردم چیست؟

پیام من این است که باید مردم ما در برابر توطئه هایی که بیشتر از سوی قوم گرایان دامن زده می شود، ایستاده گی کنند. قوم گرایان که از آموزه های دینی چیزی نمی دانند، با دامن زدن آتش نفاق زیر نام قوم، زبان و سمت تلاش داشتند و دارند که ملت ما را از هم جدا سازند.

قومی شدن انتخابات کار مردم ما نیست بل توطئهٔ شبکه های جاسوسی است و باید این توطئه از سوی مردم خنثا شود و من از همه، علمای دین، روشنفکران، نهادهای جامعهٔ مدنی و مجاهدان کشور می خواهم که از تیم اصلاحات و همگرایی حمایت کنند و نگذارند تا تیم تحول و تداوم که برای آیندهٔ کشور یک تهدید بسیار خطرناک است، به قدرت برسد.

از گفتگوی شما با آرمان ملی اظهار قدردانی می کنم.

صلاح الدین ربانی در میان جمعی مردم در منطقهٔ آب باریک ولسوالی ارگوی ولایت بدخشان:

من دراین غم و مصیبت بزرگ شما شریک هستم

محترم صلاح الدین ربانی رئیس جمعیت اسلامی افغانستان و رئیس شورای عالی صلح که روز شنبهٔ هفتهٔ گذشته ۱۳ ثور سال جاری همراه با معاون دوم ریاست جمهوری، شماری از اعضای کابینه و نمایندگان ولایت بدخشان در شورای ملی به منطقهٔ آب باریک ولسوالی ارگوی ولایت بدخشان رفته بود، ضمن ابراز تسلیت، همدردی و کمک به آسیب دیدگان و باز ماندگان قربانیان رانش زمین، افزود که در روزهای آینده نیز کمک های بیشتر به مردم صورت خواهد گرفت. رئیس جمعیت اسلامی از دولت خواست، ساکنان روستای دیگر این منطقه را که با تهدید رانش زمین روبرو اند، به یک منطقهٔ مصئون منتقل و برایشان سرپناه بسازد.

آقای ربانی خطاب به مردم آندیار گفت: "من بعنوان فرزند شما دراین غم و مصیبت بزرگ شما شریک هستم و تمام مردم افغانستان در غم شما شریک استند. انشاء الله همه تلاش خواهیم کرد که برای بازماندگان قربانیان و آسیب دیده های این حادثه کمک های بهتر نماییم و کمک ها به آسیب دیدگان اصلی برسد. کمک های که تا حالا صورت گرفته است کمک های ابتدایی است و ما تلاش می کنیم که کمک های اساسی برای بازماندگان این حادثه صورت بگیرد".

محترم صلاح الدین ربانی در جمع ساکنان روستاهای باریک آب گفت که، در کنار کمک رسانی عاجل، انتقال و اسکان ساکنان دیگر روستاهای این منطقه که با تهدید رانش زمین روبرو اند، یک ضرورت جدی است.

به گفتهٔ رئیس جمعیت اسلامی، در اول کمک های اضطراری به آسیب دیده گان صورت بگیرد، در قدم دوم ساکنان قریه های که در اطراف این منطقه زندگی می کنند باید به جای دیگر انتقال و مسکن گزین شوند و در قدم سوم کمک های برای ساختن مسکن های جدید برای این آسیب دیدگان صورت بگیرد.

روز یکشنبه ۱۴ ثور محترم محمد یونس قانونی معاون اول ریاست جمهوری اسلامی افغانستان در حالیکه یک هیئت بلند پایهٔ دولتی، نمایندهٔ خاص اتحادیهٔ اروپا و سفرای کشورهای تاجیکستان، سویدن، هالند مقیم کابل و برخی نماینده گان مردم در شورای ملی ایشن را همراهی می کردند در محل واقعه در ولسوالی ارگوی ولایت بدخشان رفت و از نزدیک از محل واقعهٔ المنک دیدن کردند و مردم دردمند آندیار را تسلیت گفتند. آقای قانونی در دیدار با مردم آن ولسوالی، وعدهٔ هرنوع همکاری را به مردم آسیب دیدهٔ منطقهٔ آب باریک ولسوالی ارگوی ولایت بدخشان داد.

محترم داکتر عبدالله عبدالله نامزد پیشتاز انتخابات ۱۳۹۳ ریاست جمهوری نیز روز دوشنبه ۱۵ ثور جهت ابراز تسلیت و مساعدت به آسیب دیده گان، با جمعی از تیم اصلاحات و همگرایی به محل حادثه _ آب باریک ولسوالی ارگو – رفت و ابراز همدردی نمود. وی بر توزیع شفاف کمک ها تاکید کرد و خواهان اسکان بازماندگان این حادثه و آسیب دیدگان در یک محل مصئون از سوی دولت شد.

په مشرتابه او انسان سازۍ کې د نبوي سیرت ونده

لسمه برخه

لیکوال: شیخ سالم الصفار
ژباړه: اجرالدین اقبال

بله بېلګه مدینې ته د ننوتو پر مهال ده.

د مدینې هر اوسېدونکي هڅه کوله د پیغمبر اکرم د مېلمستیا ویاړ ولري. هغه مهال ددې مسالې پر سر د لاس و ګرېوان کېدو امکان ډېر و،چې ناوړه اغېزې یې تر ډېره پاتې کېدای شوې او په راتلونکي کې یې اسلامي غورځنګ ته ډېرې ستونزې پېښولې؛نو هواروي ته یې پیغمبر اکرم وویل:

((اوښ ته مې دنده ورکړ شوې،لار ورکړئ! چېرته چې ودرېد؛هماغه کور ته ځم.)) اوښ د حضرت "ابو ایوب انصاري" (رض) د کور مخې ته ودرېد او دا مساله هم د پیغمبر اکرم پردې تدبیر هواره شوه.

۲_ ورورولي:

دا کړلار،چې د بشریت تاریخ یې ساری نه لري،په ښکلي انساني او اداري بڼه تر سره شو او سره له دې،چې مهاجرو او انصارو پر خوی بوی او دودونو کې یو له بل سره خورا توپیرونه درلودل؛خو د رسول اکرم د مدینې د هغه وخت د شرایطو او ټولو اړخونو په پامنیوي سره یې، په منځ کې یې"ورورولي" اعلان کړه.

په زړه پورې خو داده،چې ددې کړلارې پلي کولو ته هېڅ ډول ټاکنه او له پخوا جوړجاړی نه و شوی او دا کار هغه مهال تر سره شو،چې کله ټول مسلمانان راټول شول؛نو پیغمبر اکرم حکم وکړ: هر مسلمان دې په څنګ کې له ولاړ مسلمان سره د وروری تړون وکړي.

ددې بې سارې الهي او اداري کړلارې پایله دا وه،چې ټولو اصحابو خان د یوې کورنۍ غړي ګڼل او د سربښندنې داسې پوړې ته رسېدلي وو،چې که په خپله یې هم کوم څېز ته اړتیا درلوده؛نو مسلمان ورور ته یې ورباښه او که د ارث او خپلوی په اړه آیتونه نه وو راغلي؛نو ټولو به ګومان کاوه،چې له یو بله میراث هم وړي.

۳- جومات؛ عبادتځی او د حکومت اداري مرکز:

د اسلام نوي پر پښو درېدلی امت،د خپلو اداري، فکري، سیاسي، پوځي او عقیدتي چارو سمبالښت ته یو مرکز ته اړ وو؛داسې مرکز،چې د نوي دین له اصولو او ارزښتونو سره اړخ ولګوي او د همدې اړتیا لپاره،پیغمبر اکرم له هر څه مخکې،د جومات په جوړلو لاس پورې کړ؛یو ساده جومات،چې یوازې څلور دېوالونه یې درلودل،چې لوړوالی یې د انسان لوړوالي هومره و،چې په پیل کې یې چت هم نه درلود او څه موده وروسته ورته یې د کجورو له لښتو چت جوړ کړ.

به له داسې پر مخ تللیو پوځي کړنو کار اخسته چې نن پرې پوه پوځیان اعتراف کوي.

د پاک نبي د مدیریت د عظمت یوه نښه دا وه،سره له دې،چې وحې ورته راتله او د قرآن ډېرو آیتونو ؛لکه:

(صف /۹) (الله) هغه دی،چې خپل استازی یې له سمې لارښووني او حق دین سره راولېږه،چې هغه پر ټولو دینونو بریالی کړي او که څه هم مشرکان پرې خوښ نه وي .))

د اسلام برې تضمین کړی و؛خو پیغمبر اکرم د چارو عقلاني اړخ او تدبیر ته بې پامه نه و او د مسلمانانو روزنې ته یې اړینې تشکیلاتي او اداري لارې چارې برابرې کړې وې.

هو! د څښتن استازي،له دې ټولو امکاناتو سره سره کوښښ کاوه په چارو کې خبره په خبره هوراه کړي او کار یې وینې تویېدو او جګړې ته نه پرېښود.

پیغمبر اکرم هم د همدې سیاست د پلي کولو لپاره،د هجرت پر شپږم کال له مشرکانو سره تر لسو کالو پورې په "حدیبیه" کې تړون وکړ او بیا د "خیبر" پر لور ولاړ او د دسیسو جرړه یې له بېخه را وایسته.

اصولاً د یوې پروژې او کړلارې ارزښت په بڼه اداره کولو پورې اړه لري او داچې څومره خلکو ته ګټوره ده. هو مسلمانانو! د رسول اکرم جومات په ډېر لږ لګښت جوړ شوی و او ساده و؛خو له هماغې وړوکي او ساده جوماته،پر ټوله نړۍ د اسلامي تمدن وړانګې خپرې شوې .

٤_د مدینې د منشور لیکل:

په دې اړه مو په لومړي څپرکي کې خبرې وکړې.

۵- د جګړې مخنیوی:

د پیغمبر اکرم د پوځي شخصیت په اړه مو په تېر څپرکي کې وویل چې: هغه مبارک



٦_ پاچایانو ته د لیکونو استول:

پیغمبر اکرم د سفیرانو او ډیپلوماسۍ په درناوي،د بېلابېلو هېوادو پاچایانو ته لیکونه واستول او اسلام ته یې راوبلل،چې په تاریخي کتابو کې ددې لیکونو شمېر ۱۸٦ یاد شوی دی.

۷_ له یارانو بیا بیعت اخستل:

په کړکېچنو حالاتو کې له یارانو بیا بیعت اخستل یې ،د مسلمانانو د روحي ستې د پیاوړتیا او وفادارۍ سنجولو ته اداري تدبیر ګڼل کېږي،چې بېلګه یې د "حدیبیه" په سوله کې وه او کیسه یې داسې وه:

د څښتن استازی بې وسلې،له ۱٤۰۰کسانو سره له مدینې، د مکې پر لور د کعبې زیارت ته راووت؛د قریشو مشرکانو د حرکت مخه یې ونیوه. د څښتن استازي هم په سره سینه خپل سفیران ورولېږل،چې په همدې تګ راتګ او ډیپلوماسۍ کې مشرکانو د پیغمبر اکرم یو استازی بندي کړ او و یې واژه او هغه مهال سره له دې، چې د څښتن استازي جګړې ته چمتووالی نه درلود؛خو په هوښیار مدیریت یې ټول یاران را ټول کړل او له هر یوه یې بیعت واخست،چې که جګړه ونښلي،دښمن ته شا نه کړي او دا بیعت په اسلام کې پر "بیعت رضوان" مشهور دی.

۸_ د مکې فتح:

ستر سوله پال مشر او د رحمت پیغمبر،د مکې د فتح پر مهال پر ښار ورننووت او اعلان یې وکړ:((ځئ ولاړ شئ ! ازاد یاست !!!))

پیغمبر اکرم تر هغو قریشو غچ وا نه خیست،چې مسلمانان او هغه یې له کوره ایستلي،وهلي،ټکولي او ځینې یې شهیدان کړي وو. ان ستر مشرک او د مشرکانو مشر؛"ابوسفیان" یې هم وباښه او اعلان یې کړه چې:((چا چې د "ابوسفیان" په کور کې پناه واخسته؛ نو خوندي او په امن کې دی)).

د رسول اکرم د مدیریت بنسټونه

۱_ الهي وحی:

اسلام د انسانانو ترمنځ په وګړنیو او نړیوالو چاروکې پوره مساوات راوړاندې کړی

(حجرات/ ۱۳) خلکو! موږ په واقع کې تاسې له یوه نارینه او یوې ښځې پیدا کړي یاست او څانګې (او خپلونه) او ټبر ټبر مو وګرځولئ چې سره وپېژنئ (خو دا د امتیاز کچه نه ده) په حقیقت کې د خدای پر وړاندې ستاسې ډېر عزتمن، ستاسې ډېر پرهېزګار دی، په رښتیا چې خدای پوه (او) خبر دی.))

او پیغمبر اکرم به هم په بېلابېلو مناسبتونو کې پردې خبره ټینګار کاوه،چې وایي:

((خلکو! خدای مو یو او پلار مو هم یو دی،ټول د ادم اولاد یاست او عرب پر عجم فضیلت نه لري؛خو په تقوا.))

نو څکه په اسلامي ټولنه کې تقوا د غوره‌توب کچه ده .

ادامه لري

همدردی اقوام مختلف افغانستان در برابر هرنوع حوادث طبیعی و غیر طبیعی

عبدالعلی کوهی/استاد دانشگاه کابل

حوادث طبیعی هر سال جان افراد زیادی را از کشور می گیرد. هر سال طوفان های مدهش، سیلاب ها، زلزله و برفکوچ ها از مردم مظلوم ما قربانی می گیرد. امسال حوادث ناگوار طبیعی خسارات زیادی را در جوزجان، فاریاب، بادغیس؛ به ویژه در ولسوالی ارگوی ولایت بدخشان که از بزرگترین تراژیدی سال های اخیر در افغانستان می باشد، وارد نموده است که صدها تن انسان مظلوم در زیر خاک ها هنوز مدفون می باشند.

بدخشان، سرزمین فقر و رنج بوده و همه ساله بی مهری طبیعت را تجربه می کند که این تجربهٔ اخیر بسیار تکان دهنده و دلخراش می باشد. هر چند حوادث طبیعی را نمیتوان مهار کرد؛ اما انسان ها قادر اند برخی از ناگواری ها را از میان بر دارند. سکونت در مناطق پر مخاطره و در مسیر سیلاب ها را میتوان تا حدی از میان برداشت و با چنین دشواری ها مبارزه کرد. امروز بسیاری از مردم افغانستان در مناطق دشوار گذر؛ به ویژه در بدخشان زنده گی می نمایند. این فاجعهٔ اخیر در بدخشان استرحام و عواطف اقوام مختلف افغانستان را زنده ساخت. از قندهار گرفته تا دور ترین ولایات جنوبی، شرقی و شمالی مردم دسته دسته اظهار همدردی نمودند، نماز غایبانه انجام دادند و کمک های مالی به بازمانده گان این قربانی ارسال نمودند. به همین مناسبت همدردی کشورهای بزرگ دنیا نشان می دهد که وجدان انسان ها در جهان زنده است و هنوز جهان خود را در غم دیگران شریک می دانند.

در سطح کشور همدردی و تجمع اعانه در موسسات دولتی، نهاد های اجتماعی، تجار ملی، وزارت خانه ها، نیرو های مسلح کشور و اشخاص خیر، نشانه یی از همبستگی ملی می باشد. غم شریکی و کمک های مالی اقوام مختلف افغانستان برای حادثهٔ لغزش زمین در بدخشان نشان داد که در میان مردم افغانستان یک وحدت ملی و اسلامی وجود دارد، که هیچ یک از افراد مغرض و سود جو نمی تواند یک چنین روحیهٔ انسان و همکاری را که در میان مردم افغانستان وجود دارد، کمرنگ سازد. بدون شک مردم افغانستان در روزهای دشوار باهم شریک یکدیگر اند، همانگونه که در جهاد و مقاومت با هم شریک بودند، در برابر سخت گیری های طبیعت این مردم افغانستان است که آغوش خود را برای مردم افغانستان باز می نمایند. باید این روحیهٔ ملی را پاس داشت و در جهت تقویهٔ آن تلاش نمود.

ما به مردم افغانستان، به اقوام افغانستان و سر زمین افغانستان باور داریم که در روز مصیبت آغوش خود را برای شهروندانش باز خواهد کرد. افغانستان خانهٔ مشترک همه افغانها است. ما ناگزیریم این خانه را از تخریب نجات دهیم و برای ساکنان این خانه دوستی، محبت، عزت و سربلندی می خواهیم. این حادثه تجربهٔ خوبی است برای کسانی که افغانستان را برای این کشور می خواهند. این روحیهٔ بلند مردم دوستی در میان اقوام افغانستان برای ما یک آینده امید بخش را نوید می دهد که در روز های دشوار و مصیبت بار در کنار یکدیگر قرار می گیرند. این روحیهٔ یک پارچه گی این امید را در میان افغانستان زنده ساخت که ما به سوی ملت شدن روان هستیم.

این روحیهٔ همکاری بستر خوبی برای محور مشترک در تصمیم گیری های مشترک در میان اقوام افغانستان بوجود آورد. حضرت پیامبر (ص) فرموده است: (خداوند به کمک بندهٔ خود است تا زمانی که این بنده به کمک برادر مسلمان خود باشد). روحیهٔ همکاری و ایثار در برابر برادر مسلمان و همنوع، همان روحیهٔ اسلامی است، هر وقت این روحیهٔ اسلامی در میان اجتماع کمرنگ گردد، ما را از منبع فضیلت و کمال انسانی دور می سازد. امروز هر چیز را دشمنان ما از ما گرفته می توانند، اما قادر نیستند تا روحیهٔ وطندوستی و کمال انسانی را از ما بزدایند.

امروز اقوام افغانستان در میان خود پیوند های عمیق انسانی و وطندوستی دارند و این روحیه هیچگاه در تاریخ افغانستان کمرنگ نبوده است. با امید روزی که افغانستان در یک ثبات سیاسی زنده گی نماید و یک جامعهٔ آزاد، خوشبخت و انسانی در کشور ایجاد گردد. در پایان برای شهدای حوادث طبیعی افغانستان بهشت برین و برای بازمانده گان آن ها تسلیت می خواهیم.

ابعاد گستردۀ تقابل روسیه و غرب بر سر اوکراین

وحید مژده

بعد از جنگ جهانی دوم و بخصوص پس از دسترسی قدرت های جهانی به اسلحۀ اتومی، تصور این بود که دیگر این قدرت ها از ترس نابودی جهان، جرئت نخواهند کرد تا آغازگر یک جنگ جهانی تازه باشند. از آن به بعد دنیای دو قطبی بجای اینکه شاهد درگیری مستقیم میان ابرقدرت ها باشد، هریک از ابرقدرت ها در تلاش این بود تا پای دیگری را در بحران های بین المللی و جنگ های متعارف و نیابتی در کشورهای دیگر بکشد و از این راه یکی از دیگری قربانی بگیرد.

با فروپاشی اتحاد شوروی و پایان جنگ سرد، توافق نا نوشته ای میان روسیه و غرب شکل گرفت که اگر از یکطرف روسیه با خروج از اروپای شرقی از ادعای خود مبنی بر ابرقدرت بودن دست کشید، از جانب دیگر غرب هم در ابتدا تلاش نکرد تا منافع روسیه را در اروپای شرقی و در مجموع حوزۀ نفوذ اتحاد شوروی سابق به چالش بکشد. اما رقابت میان روسیه و غرب در این حوزه در میدان اقتصادی و فرهنگی موجب شد تا مردم این کشور ها در مورد آیندۀ شان فراتر از ملاحظات و منافع روسیه و غرب تصمیم بگیرند. در اینجاست که امریکا بعنوان حامی به اصطلاح دیموکراسی و حق انتخاب برای مردم، پا به میدان می گذارد و حساسیت روسیه را بر می انگیزد.

بدون تردید جهان از نظر زمانی دهها سال از سال ۱۹۴۵ و پایان جنگ دوم جهانی فاصله گرفته است و نمی توان اروپای شرقی را همچنان بعنوان میراث دوران اتحاد شوروی، حوزۀ نفوذ فدراسیون روسیه قبول کرد اما این نکته هم قابل دقت است که غرب باید با چه تعاملی با روسیه دست یابد تا از تنش های بیشتر جلوگیری گردد؟ رویداد های اوکراین نشانۀ بارز از تنش در روابط میان روسیه و غرب بوده و نشان از تغییر جهان در ابعاد بزرگتر دارد.

اما اکنون به نظر می رسد که روسیه بار دیگر به میدان رقابت برگشته و در صدد یارگیری در میان کشور هائی است که زیاد از امریکا دل خوشی ندارند. اگر نیروی ویرانگر سلاح های اتومی نبود، ما تکرار این تجربه را شاهد می بودیم که جهان بار دیگر قدم به دوران یک جنگ جهانی دیگر می گذاشت تا نیروی برتری که از میان خاکسترهای چنین جنگی قد علم می نمود، قواعد بازی را سر از نو تعیین می کرد اما در جهان امروز ظاهراً چنین جنگی که هیچ برنده ای نخواهد داشت، دور از امکان است.

حرکت ناتو بسوی شرق چالشی بود که اگر در گذشته روسیه در برابر آن واکنش نشان نداد، نه ناشی از بی تفاوتی بلکه ناشی از ضعف این کشور بود و اکنون که روسیه بار دیگر در سطح بین المللی قامت برافراشته و در صدد احیای نفوذ خود در منطقه است، امریکا قدرت کمتری برای مقابله با ایجاد موانع از جانب روسیه دارد.

الحاق کریمه به فدراسیون روسیه روابط میان امریکا و روسیه را بشدت تیره ساخت و غرب به وضع تعزیرات علیه روسیه پرداخت. هرچند روسها تلاش کردند تا با تماس با امریکا از تیره شدن بیشتر روابط بکاهند اما به نظر نمی رسد که وضع کاملاً به حالت عادی برگردد. بخصوص که مقامات اوکراینی اتهاماتی بالا تر از مداخله در امور داخلی اوکراین را بر روسها وارد نموده و روسیه را به حملۀ نظامی به اوکراین متهم کرده اند.

ناظران سیاسی به این باور اند که امریکا برای مقابله با چالش ها در سطح جهانی به همکاری روسیه نیازمند است. در عین حال امریکا برای استفاده از منابع قطب شمال، تحقیقات فضائی و مقابله با چالش های محیط زیستی به همکاری روسیه نیاز دارد.

از جانب دیگر تجرید روسیه توسط غرب به چرخش روسیه به سوی شرق می انجامد که با منافع امریکا در آسیا سازگار نیست. امریکا می داند که صحنۀ جهانی بسوی آسیا در حال تغییر است و این قاره در آیندۀ نزدیک نقش مهم در معادلات بین المللی خواهد داشت. بنابراین راندن روسیه بسوی شرق و بخصوص چین می تواند منافع امریکا را در آسیا با چالش مواجه سازد. روسیه تلاش دارد تا ساختار های منطقوی چون بریکس، سازمان همکاری شانگهای، سازمان پیمان امنیت جمعی و اتحادیۀ اورآسیائی را تقویت نماید و برای منابع انرژی خود خریدارانی در شرق بیابد. این کار موجب می شود تا اروپا با فشار های بیشتر از ناحیۀ کمبود انرژی مواجه گردد.

امریکا برای مقابله با روسیه دست به اعمال یک سلسله تحریم ها علیه ماسکو زده است اما این نکته مشخص است که روسیۀ امروز با روسیۀ دوران فروپاشی اتحاد شوروی کاملاً متفاوت است. از جانب دیگر دنیای امروز هم با دنیای دهۀ نود میلادی کاملاً فرق کرده است. جنگ های افغانستان و عراق ثابت کرد که امریکا بعنوان قدرتی که مدعی رهبری جهان بود، در حل مشکلات جهانی ناکام مانده است. دلیل این امر اینست که امریکا حل هر مشکلی را با منافع ملی و استراتژیک خود در سطح جهانی می سنجد.

بنابراین امریکا مجبور خواهد شد تا در کشمکش بر سر اوکراین با روسیه کوتاه بیاید زیرا می داند که این مناقشه فقط می تواند ضعف امریکا را بعنوان یگانه ابرقدرت جهان در حل کشمکش های جهانی زیر سوال ببرد کاری که قبلاً در سوریه اتفاق افتاد و امریکا در برابر ایران و روسیه که به حمایت از رژیم اسد پرداختند، در نقشی ضعیف و منفعل ظاهر شد.

اما بحران اوکراین برای امریکا این فرصت را فراهم خواهد کرد تا به نفوذ بیشتر در اروپای شرقی بپردازد و حتی به این کشور ها اسلحه بفروشد. در شرایطی که ناتو در تجربۀ خود در افغانستان توفیقی نداشت و حتی در میان اعضای این سازمان نظامی نشانه هائی از اختلاف دیده می شد، روسیه هراسی می تواند وسیله ای برای بخشیدن جان تازه به پیکر ناتو باشد.

در چنین شرایطی امکان جنگ میان امریکا و روسیه بر سر اوکراین وجود ندارد و حتی امکان دارد تا سرانجام امریکا خواست روسیه برای نظام فدرالی در اوکراین را هم بپذیرد اما نگاه روسیه به شرق برای دور زدن تحریم های غرب علیه این کشور می تواند تحولاتی را در آسیا موجب گردد.

ایجاد دردسر برای روسیه در آسیای میانه می تواند یکی از همین راه ها باشد. هرچند بعد از فروپاشی اتحاد شوروی، آسیای میانه بخشی از این کشور نیست اما روسیه به مرزهای جنوبی اتحاد شوروی هنوز هم به چشم مرزهای نفوذ خود می نگرد. امریکا سعی دارد تا نفوذ خود را در این منطقه گسترش بخشد. در محکوم کردن روسیه در سازمان ملل، قزاقستان و قرغیزستان به الحاق کریمه به روسیه رای ممتنع دادند. این مسئله می تواند مایۀ امید برای امریکا باشد تا از همگرائی با روسیه جلوگیری نماید و یا هزینۀ این همگرائی را بحدی بالا ببرد که روسیه توان پرداخت آنرا نداشته باشد.

نا امنی های افغانستان بعنوان کانونی برای تهدید روسیه در جنوب، می تواند برای روسیه گران تمام شود و بلند پروازی های کریملین برای مبدل شدن به یک ابرقدرت را مهار نماید. بنا براین روسیه بزودی مجبور خواهد بود تا بسرعت در سیاست آسیائی خویش به تجدید نظر بنیادی بپردازد در غیرآن زمان در انتظارش نخواهد ماند.

ایا مصري واکمن په ولسواکۍ ملنډې نه وهي؟

رفیق بحر

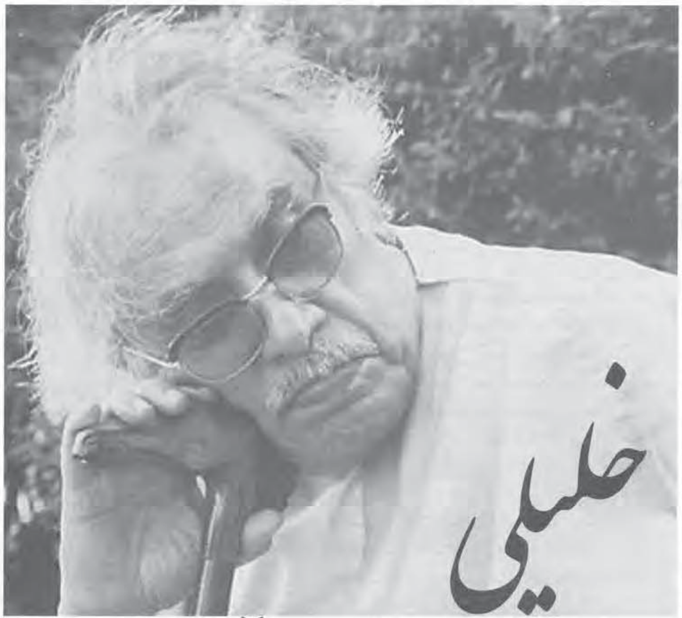
له کوم وخت راهیسې چې په مصر کې د دکتور محمد مرسي ولسواکه رژیم د دغه هیواد د دفاع وزیر عبدالفتاح السیسي له خوا د یوې کودتا له لیارې له واکه لېرې کړای شوی دی، له یو خوا پدغه هیواد کې امنیتي وضع ورځ تر بلې د خرابېدو په لور روانه ده او له بلې خوا پدغه هیواد کې د اړتیا وړ توکو بیې آسمان ته ختلې دي او هم په اسلامي هیوادونو کې د مصر پخوانی حیثیت ته اوس په هغه درنښت نشي گتلی.



مصر چې په شمالي افریقا کې یولرغوني تاریخ لرونکی هیواد دی، د علم په ډگر کې یې هم د اسلامي هیوادونو له مینځه یو ځانگړی مقام درلوده خو پدغه هیواد کې نږدې یو کال وړاندې د السیسي لخوا په ولسواکه رژیم باندې د کودتا او د واکه لېری کولو لامله د دغه هیواد د لوړوزده کړو مشهور پوهنتونونو لکه د الازهر او قاهرې پوهنتونونو هم خپل پخوانی حیثیت له لاسه ورکړی دي؛ ځکه الازهر چې د نړۍ د ستر اسلامي پوهنتون حیثیت درلوده. اوس په اسلامی نړۍ کې ددغه ادارې په رهبرۍ کې د درباري او بېکېلاک لاس پوخو پوهانو شتون او د دیکتاتورو واکمنانو په اشاره وخت ناوخته فتوي ورکولو د دغه ستر علمی مرکز دیني او علمي وجاهت ته سخت زیان رسولی دی. او همداسې وضع د قاهرې او د مصر د نورو پوهنتونونو هم ده، چې د ختیځ پوهې زده کړو (متشرقینو) او سیکولرو څېرو پراخه فعالیت له څو پېړیو راهیسې ددغه پوهنتونونو حیثیت ته سخت زیان اړولی دی.

مصر له اقتصادي پلوه له هغو هیوادونو څخه دی چې د وروسته پاتې هیوادونو په څېر تل د نورو په اوږو بار اوسي او له همدې امله د دغه هیواد ډېری وگړي شتمنو عربي هیوادونو لکه سعودي، قطر، کویت او متحده عربي اماراتو سربېره اروپایي هیوادونو ته هم د کارموندني لپاره ځي. او په نظامي ډگرکې یې د لگښتونو یوه زیاته برخه د امریکا د متحده آیالاتو لخوا تامینږي چې همدې اړتیا د مصر پوځ دمصري ولس پرځای دامریکا د گټو پالونکی او په اشارو یې عمل کوونکی گرځولی دی. او دهغې وروستی بېلگه په تیر جولایې میاشت کې دالسیسي کودتا وه چې اصلي ډاد یې امریکا وه او اقتصادي مرسته یې د سعودي عربستان او متحده عربي اماراتو د هیوادونو لخوا د امریکا په اشاره ترسره شوه؛ ځکه دغه دواړو هیوادونو د سیکولر مصری پوځ د خپل ولس پرخلاف له ترسره کړي عمل څخه د ملاتړ په ټوگه له نوموړي هیواد سره شپاړس ملیارده ډالره مرسته وکړه. پداسې حال کې چې د افغانستان د جهاد پر مهال په اوږده موده کې یې ټوله مرسته له څلورنیم ملیارده ډلرو څخه نه اوړي. چې دغه کار عبدالفتاح السیسي دالاخوان المسلون د گوند د پلویانو پر خلاف ظالمانه او وحشیانه کړنو ته وهڅاوه او د دغه گوند د غړو پرخلاف دوسیو تیارولو او ډېرو زیاتو غړوته یې د اعدام د حکم اورولو تر څنگه. اوس د غلا (کودتا) له لیارې واک لاس کې اخستي دیکتاتور السیسي غواړي ځان، د ټاکنو له لیارې په ولس دایمی واکمن وگرځوي.

۷مخ



خلیلی
سرایشگر اندوه آزادی

به بهانهٔ ۲۷مین سالگرد وفات استاد سخن شادروان خلیل الله خلیلی

دکتر شمس الحق آریانفر

غیر از نفس گرم گهرساز خلیلی
با ناله که آمیخته گلبانگ دری را

استادخلیل الله خلیلی ،درحیات اجتماعی وادبی جامعه ما ،یک استثناد ویک پدیدهٔ ناتکرار است. چه استثنایی فراتر از ین که درآغاز زیست آگاهانه ودرفرجام حیات ،باآوارگی واندوه همنشین است.

خلیل الله فرزند ناز پروژهٔ میزرا محمدحسین خان متوفی الممالک ونایب سالارملکی ونظامی حیبب الله خان ، تازه یازده سال داشت که پدرش بدست امان الله خان شهید گردید ، اموالشان مصادره شد،واین طفل ۱۱ ساله درمعرض رنج وآوارگی شدید قرارگرفت که صحبت وتماس بااو وخاندانش جرم بود.استادصلاح الدین سلجوقی درنخستین دیدارش از خلیل الله، این وضعیت رانیکو به تبیین آورده است.

" من به کابل آمدم به سراغ بازماندگان مرحوم مستوفی الممالک ،شدم وشنیدم که دربین عائله مرحومی پسری از اوباقی مانده است که بجرم ناکردهٔ پدر به گوشهٔ محصور ومتواری است ومن بااینکه بعضی ازدوستانی که عقل نزد ایشان عبارت است ازاختناق حس وقلب وضمیر، مراازاتصال به فرزند مستوفی الممالک منع می نمودند، خودرا به جناب خلیل الله که اکنون استاد ماست رسانیدم».

اگراین یک سرنوشت استثنایی است ،بعد از تحمل یک دهه رنج ، آوارگی وبیکسی تبارز خلیل الله به عنوان یکی ازشخصیت های انقلاب امیرحبیب الله کلکانی ،استثنایی دیگریست که نبوغ واستعداد ذاتی آنرا به نمایش می گذارد .چه باوجود فتنه ها، به غریبی روستاها به استحاله نرفت، که ازلای دود وآتش بیرحمی ها ،چون آذرخشی درخشید ودرمعرکه ها ومصاف ها قامت آراست. باسقوط حبیب الله کلکانی ، خلیل الله به تاشکند وبعدهرات وقندهار، آواره وتبعید گردید. این دوره از ۱۳۰۸ تا ۱۳۲۸، مدت ۲۰ سال دوام کرد. بدینگونه می بینیم خلیل الله تاسن ۴۰ سالگی، جزده سال کودکی، ۳۰ سال درکورهٔ زندگی عذاب می کشد وپخته میگرددو چنین رنجست که خلیل الله راقوام می دهدوخلیلی می بخشد.

درسال ۱۳۲۸ دبیرکابینه وبعدرئیس مستقل مطبوعات ومشاورشاه میگردد ودراخیر تاسال ۱۳۵۷ سفیرعربستان وعراق است. شاید کوته نگران این دورحیات خلیلی را نکوهش کنند. اما برعکس استثنائی ترین عهد حیات او که درتاریخ ادبیات خویش همسانش رانداریم همین دوره است.

نخست اینکه کمترکسی توانسته است سی سال افراخته قامت زندگی کند باوجود همه آلام ومصایب. ودودیگراینکه پس ازچنین دورهٔ رنج وعذاب، اگرمجالی حاصل شود، انسان طبعاً به راحتی خو میکند ودیگر یاد گذشته ها رانمی نماید. اما خلیلی نه ازآن کسانست. اوهیچگاه نه کرسی فلک رازیرپای شاه نمی گذارد وحتی یک حرف وستایش مبالغه آمیز دربارهٔ شاه برزبان نمی آورد. توجه کنید، وقتی شاه راستایش می کند، می گوید:

درعهد پادشاه جوانبخت زنده دل
این تهنیت به محفل پیروجوان دهم

درین بیت می بینیم که جوانبخت اصلاً تعریف نیست، بلکه یک امر واقعی است ظاهرشاه درجوانی بابخت واقبال شاهی قرین گردیده است. کلیمهٔ زنده دل درستایش یک شاه حتی اهانت است. می بینیم که خلیلی آگاهانه این کلیمه را انتخاب نموده است ونخواسته شاه رابی مورد دروغ ومبالغه آمیز ستایش کند. خلیلی نتنها مبالغه واغراق ندارد که همیشه اورا به عدل وداد فرامی خواند.

گرگویم عمرت از هزار افزون باد
قولیست خطا
ورگویم دشمنت واژگون باد
این نیست دعا
امید من آنست که در روز جزا
در پیش خدا
نامت به شمار عادلان مقرون باد
اینست بجا

و در همین راستاتآنجاپیش میرود، که شاه را ازآینده اعمالش اخطار می دهدوشفاف وروشن بیان میکند که همه تخت هابه خون ترگشته اند، افسانهٔ تاج گذراست وازقافلهٔ شاهان فقط داستاتانهای برجامانده وآنچه ماندگاراست، عمل است وبس که باید نیکو کارونیکو کرداربود.

دانی که شعارچرخ غدار
مکراست وفریب ورنج وآزار
یک چشم بصیر درجهانیست
کزجورزمانه خونچکان نیست
سختی که به خون نگشته ترکو
تاجی که جدانشد زسر، گو
دربارگهٔ جهان گشایان
برخاک نشته بینوایان
ازقافلهٔ جهان ستانها
چون گردبجاست داستانها
افسانهٔ تاج دلنشین است
آیینه روزگار این است
تارنج چودادگاه باشد
اعمال درآن گواه باشد.

می نگریم که خلیلی مداح دربارنیست، معلم است، هدایتگراست وتوبیخ کننده واخطار دهنده است. شخصیت اودررنج ومصایب بارورگردیده است، بازرق وبرق دربار دیگرگون نمی گردد. اندوه بزرگ اودرسراسر دیوانش تاپایان حیات بلامنقطع ادامه دارد، که روی آن مکث خواهیم کرد.

خلیلی در دربار چنان باصلابت واستوارگام برمی دارد وزندگی دارد که غبطه برانگیز است. تاآنجاکه گاه گاه باشاه رجزخوانی میکند وحتی زمانی که چیزی ازاومی خواهد، ازشکوه شان خودو ازنامردی ایام یادمی کند وازتاراجی که براورفته است سخن میگوید. درسرودهٔ که ازشاه، سرپناهی می خواهد. ازچپاولی که براورفته است ، چنین سخن می راند:

فرزند ناز پرورمهد تنعمم
چون من کسی ندیده درین ناز پروری
عهد تجمل پدرنامدارمن
روشن بود به خلق چوخورشید خاوری
تاراج گشت گلشن آمال من دریغ
ازجور روزگار بتاراج بربری

خلیلی بعدازکودتای ثور ازسفارت استعفا می دهد ومدتی دراروپا وامریکا بسرمی برد، ولی با آغاز جهاد ومقاومت (مدینهٔ موعود روشنفکران امروزین) اروپا وامریکا را رها می کندوبه کنار مردم ومقاومت می آید. درحالیکه همه مدعیان سیاست ورهبری جامعه روانهٔ اروپابودند، حرکت خلیلی ازآنجابسوی برهنه پایان مظلوم، استثنای دیگریست که تکرارندارد. اگرشمامشاهده کردید بماهم نشان دهید.این فقط خلیلی است که بسوی مبارزان وآزدگان کشورش، سرزمین نازونعمت رارهامی کند. ودرینجاست که بغض ۷۰ ساله اش رامی ترکاند،می نویسد ومیگوید آنچه راتاهنوز نگفته است . این سیرحرکت پرشکوه تاریخی واجتماعی، زیستنامهٔ پرافتخار یست که به گونهٔ استثنایی، ویژهٔخلیلی مانده است وخواهد ماند.

خلیلی در آیینهٔ اشعار:

نگرشی براشعار وسروده های استاد خلیلی، نشان می دهد که شعرخلیلی فریاد است، اغتراض است، آوای درد وعصیان است، جرقه وانفجار آتشفشانیست که تماشاگران ازروشنایی اش شادمان است، حال آنکه مذابهٔ دل وخونابهٔ روحیست که به فوران آمده است.

اکثر غزلهای استادخلیلی برعکس شاعران دیگرکه ازعشق وزندگی های شادمی گویند، باعناوین اندوه بار آغاز گردیده است. برخی این عناوین را بابیت های بگونهٔنمونه تذکر می دهیم تادریافته باشیم که خلیلی حتی درغزل و مغازله، خون می خورد.

ظلمت سرا:

شب عمرم درین ظلمت سرا با درد وغم بگذشت
ندارم بعدازین چشم امید از روزن فردا

درماتم شهرکابل:

سرو سرنگون گشته، سبزه تربخون گشته
بخت واژگون گشته، باغبان کابل را

میوهٔ تلخ:

من به بیکارحوادث می روم باتیره آه
ازفلک گیرم اگررنگین کمان باید مرا

گوشهٔ قفس:

به خون واشک نگارین نمودصفحهٔ دل
چوطرح هستی ماخامهٔ قدرمی ریخت

راه نیستان:

ناله به دل شد گره راه نیستان کجاست
خانه قفس شد زغم طرف بیابان کجاست

طفل اشک:

دررگم خون دربرم دل درتنم جان مرده است
وای برمن طفل اشک من به دامان می رود

طوفان مرگ:

آواره ترزمن بهمه روزگارنیست
یک موج درجهان چودلم بیقرار کیست

آه بی تأثیر:

مرگ رانازم که درغفلت رهاسازد مرا
خواب ماآشفته حالان رادگرتعبیرنیست

همین گونه است عنوان های غزلهای دیگر، چون: جای آه، اشک درویش، فتنه ، تهی پیاله، جنازهٔ مظلوم، تابش شمشیر، شهرتوفان برده، غمگسار، کشاکش حرص، آتش بجان، قطره های خون شده ، زندان، دل خونین، فریاد جنون، سینهٔ سوزان، مشت خار، بیکسی، فرزند رنج، جگر سنگ وغیره .

این نشان میدهد که خلیلی شعر رادرخدمت آرامانش بکار گرفته است. اگربگوییم خلیلی هیچ شعر عاشقانه ندارد، گزافه نیست، چه وقتی خلیلی عاطفی ترین وعاشقانه ترین غزلها را آغاز می کند می بینیم که آن رنج نهفته اش بروز می کند وآن غزل شاد، بادردو اندوه عجین میگردد. منتها توانایی استاد خلیلی درآنست که این درد وآرامان را به گونهٔ بیان نموده که درنگاه اول بوی قصاید حبسیهٔ مسعودسعد سلمان ازآن استشمام نمیگردد، درحالی که ژرفترازان سروده ها، شعلهٔ دردو دود آهیست که تافلک ازابیاتش زبانه می کشد.

عاشقانه ترین غزلها و عنوانها را از نظر می گذرانیم و ابیاتی را از آن نمونه می گیریم.

فیض عشق :

سوختم ازناتوانی مشت خاکسرشدم
کیست جزتو تاکند آتش زخاکستربپا

اگرها و مگرها:

جزسردی ازین خلق بداندیش ندیدم
قربان توولذت آن گرم نظرها

نای شعر:

سراسر قطرهٔخونست ومیلرزد بصد خواری
دل بی حاصل من ازگداز ناچکیدنها

سنبل گرا:

ای مرغ شباهنگ بیا هردو بنالیم
تاخون چکداز گرمی آوای که امشب

به همسر عزیزم:

فغان ازتنگ چشمی های این چرخ سیه کاسه
که دلخون میکند مانند دونان بهریک نانت

دست الفت :

آسمان گراز سرمن دست الفت برگرفت
سایهٔ سرورانت ازسرمن کم مباد

گهواره :

جزنالهٔ مرا از دل بیمارچه خیزد
زین غمکده جزآه شرربارچه خیزد

کلهٔ عشق:

خانهٔ وشهرمرا گرچه فلک داد بباد
کلبهٔ عشق بدان مهرونشانست که بود

کعبهٔ دل:

سالها درآتشیم وشام ماپایان نیافت
ای خوشاپروانه کزیک پرزدن جان میدهد

تلخی روزگار:

استاد خلیلی درهمه عمر خود، غم واندوه بزرگی راباخویش می کشیده ودرهیچ حالتی ازآن رها نبوده است:

ازکوی دوست جانب منزل شدم روان
اودرکنار من چوغم بیکران من

این غم بیکران ازآن پیوسته قرین خلیلی است که تاچشم کشوده با اندوه و فتنه مواجه بوده است. آنسان که می گوید:

بسی بارید سنگ فتنه گردون بردروبامم
خدایا بشکند کی شیشه های آسمان روزی

ادامه در شمارهٔ آینده

مروری بر برخی حوادث امنیتی

○فیض

۴ثور:

• به گزارش رسانه ها، سه شهروند آمریکایی از سوی یک نگهبان شفاخانهٔ کیور در کابل کشته شدند. حوالی ساعت نه و چهل و پنج دقیقه یک داکتر متخصص بخش اطفال که از هفت سال به این سو در شفاخانه کیور در کابل کار می کرد همراه با دو دوستش در همین شفاخانه به قتل رسیدند. قرار گفته های مقام های صحت عامه، سرباز پولیس که این عمل را انجام داده است، تازه برای امنیت این شفاخانه تبدیل شده بود.

• در نتیجه درگیری میان دو گروه از افراد مسلح غیر مسوول که کاکا و برادر راده اند، در ولایت غور، چهار تن مشمول یک فرد غیر نظامی کشته شدند. مسوولان محلی این ولایت به رسانه ها گفته اند که، این درگیری از چند روز به این سو در ولسوالی تیوره آغاز شده است.

۶ثور:

• به گزارش رسانه ها، مسوولان محلی ولایت کنر گفته اند که نظامیان پاکستانی حملات راکتی بر بخش هایی از این ولایت را از سر گرفته اند. عبدالحبیب سید خیلی، فرمانده پلیس ولایت کنر گفته است که، نظامیان پاکستانی از دو روز به این سو بر بخش هایی از این ولایت ده ها راکت پرتاب کرده اند. به گفتهٔ او، روز گذشته هجده راکت از سوی نظامیان پاکستانی بر ولسوالی دامگان کنر اصابت کرده است. فرماندهٔ پولیس کنر گفته است که، حملات راکتی صبح امروز نیز شروع شده و تا کنون نه راکت بر ولسوالی دامگان برخورد کرده است.

۸ثور:

• در خبرنامهٔ دفتر مطبوعاتی امنیت ملی آمده است، اطلاعات دقیق و مؤثق استخباراتی میرساند که در لیل ۷ بر ۸ /۱۳۹۳/۲ (۳۰۰) تن از اعضای شبکه حقانی به همکاری جنگجویان خارجی بشمول انتحار کننده گان بالای قرارگاه نیروهای دولتی در مربوطات ولسوالی زیروک ولایت پکتیکا حملات گسترده انتحاری و تهاجمی را بمنظور تصرف پایگاه نیروهای متذکره انجام دادند که در نتیجه ضد حمله نیروهای دولتی به پشتیبانی نیروهای هوائی ائتلاف به تعداد (۶۰) تن از اعضای شبکه حقانی و جنگجویان خارجی کشته و تعداد زیاد شان مجروح گردیده است.

۱۱ثور:

• در خبرنامهٔ وزارت امور داخله، حوالی ساعت ۵ عصر یک نفر انتحار کننده با استفاده از یکعراد واسطهٔ کرولا مملو از مواد انفجاریه خود را در دروازه ورودی (دالان سنگ) ولایت پنجشیر منفجر نموده که در نتیجهٔ این حادثه ۶ افسر پولیس شهید و تعدادی از هموطنان ما نیز زخم برداشتند.

۱۲ثور:

• به گزارش رسانه ها، انفجار در چوک محبت شهر مهترلام مرکز ولایت لغمان نه زخمی به جا گذاشت. این انفجار بامداد امروز هنگامی رخ داد که پولیس ترافیک مصروف تنظیم شهر و دور ساختن دست فروشان بود. یک مسوول امنیتی ولایت لغمان گفته است که در این انفجار یک پولیس ترافیک و هشت غیرنظامی دیگر زخم برداشتند.

• بازهم بخش هایی از ولایت های نورستان، کنر و پکتیکا در جریان یک هفتهٔ اخیرگواه بی سابقه ترین حملات از سوی نظامیان پاکستانی بوده است. در تازه ترین موارد شب گذشته و بامداد امروز بخش هایی از ولایت های کنر، پکتیکا و نورستان گواه اصابت ده ها راکت از آن سوی نوار دیورند بود. یک قوماندان پولیس مرزی در شرق کشور به رسانه ها گفته است که، حملات راکتی نظامیان پاکستانی در جریان دست کم یک هفتهٔ اخیر بی سابقه بوده است.

۱۴ثور:

• به گفتهٔ آمر اپراسیون فرماندهی پولیس ولایت کاپیسا به رسانه ها، "شب گذشته چهار تن از افراد ملکی بی گناه در دره غین ولسوالی نجراب و در میاخیل ولسوالی تگاب ولایت کاپیسا توسط شورشیان طالب از منزل شان کشیده شده و کشته شدند." دلیل آن همکاری با دولت خوانده شده است. بنا به گفتهٔ مردم محل به رسانه ها، یکتن از این کشته شده ها حکیم خان ملازم مدرسهٔ ابوذرغفاری و یک داکتر به نام عبدالخلیل سر طبیب کلینیک درهٔ بچه غان ولسوالی نجراب شامل است.

۱۵ثور:

• معاون والی غزنی به رسانه ها گفته‌اند که در جریان نبردی سخت دو روزه بین نیروهای امنیتی و طالبان در ولسوالی گیلان غزنی، دست کم ۵۰ عضو این گروه کشته و ۳۶ تن دیگر شان زحمی شده اند.

۱۶ثور:

• به گزارش رسانه ها، در نتیجهٔ دو انفجار در ولایت هرات ده پولیس به شهادت رسیدند و چهار پولیس دیگر زخم برداشتند. انفجار اول حوالی ساعت ده و سی دقیقه صبح امروز در مربوطات ولسوالی اوبه ولایت هرات رخ داد. در رویداد دومی که بعد از ظهر روز گذشته در نتیجهٔ انفجار ماین کنار جاده یی، در ولسوالی غوریان هرات رخ داد هفت مامور پولیس سرحدی شهید شدند و یکی دیگر آنان زخم برداشت.

• عصر امروز سه شنبه ۱۶ ثور، در منطقه زیرکوه از مربوطات ولسوالی شیندند ولایت هرات انفجاری رخ داده است. به گفتهٔ ولسوال شیندند به رسانه ها، این انفجار زمانی رخ داد که یک موتر سایکل نوع سه چرخ که نُه سرنشین داشت با ماین کنار جاده برخورد کرد. به گفتهٔ وی تمامی قربانیان این رویداد غیر نظامیان و اعضای یک خانواده هستند. او می گوید که در میان کشته شدگان دو کودک و پنج زن شامل هستند.

•

گزارشی از انتخاب وکیل گذر...

در برابر شما شرمنده شوم. فقط می گویم که در حد توان در بهبود شرایط محیط زیست در این منطقه خواهم کوشید.

نوبت به غلام خان رسید تا برنامهٔ کاری خود را به اطلاع مردم برساند. او سخن را از آنجا آغاز کرد که سالها در خدمت مردم بوده اما به دلیل نابسامانی های چند دههٔ اخیر مجبور به ترک کشور شده است. وی ضمن برشمردن خطاها و کاستی های وکلای گذشته و خیانت ها و فساد مالی، به مردم گفت که من وکیل شما خواهم شد و به شما خدمت خواهم کرد. شاید جوانان مرا نشناسند اما محاسن سفیدان محل از خدمات من بخوبی آگاه اند!

مرد سالخورده ای که نزدیک من نشسته بود گفت که بعضی ها چقدر وقیح اند! به چشم ما دیده و به ما دروغ می گویند! سروصدای مردم بلند شد که ما کار و زنده گی خود را رها کرده و اینجا آمده ایم از این قصه های مفت بگذرید و رای گیری را آغاز کنید!

سرانجام داخل دو صندوق رای دهی مزین به عکس های دو نامزد به مردم نشان داده شد تا همه اطمینان حاصل کنند که صندوق ها خالی اند. رای گیری آغاز شد. از حدود ۲۵۰ تن همانگونه که انتظار می رفت اکثریت به معلم رای دادند. من بعد از ختم رای گیری از معلم پرسیدم که وضع انتخابات چگونه بود؟ وی در جواب گفت:

- در رای مه زور هستم اما در واسطه و پول غلام خان! ببینیم که کدام یک پیروز می شود؛ رای مردم یا واسطه و پول غلام خان!

صندوق ها را مجدداً به داخل مسجد آوردند. در راه شخصی که صندوق غلام خان را در دست داشت، آنرا تکان می داد! صندوق معلم را باز کردند. صندوق نزدیک به پر شدن بود-زیرا هر رای دهنده قبل از انداختن ورق رای دهی، آنرا «قات» کرده بود. تعداد رای معلم ۱۷۲ رای بود.

نوبت شمردن آرای صندوق غلام خان رسید. به مجردی که صندوق باز شد همه دیدند که مقداری رای در تهٔ صندوق دیده می شود اما بشکل بسته هائی که کاملاً از هم جدا هم نشده اند! مجموع رای غلام خان ۲۷۰ رای بود! مشخص بود که ناحیهٔ مربوطه و کمیسیون موظف جانبدار غلام خان بودند و بیش از دوصد رای را دست نخورده در جریان انتخابات به صندوق وی انداخته بودند! یکی فریاد زد:

- تعداد تمام مردم در مسجد بیش از دوصد و بیست نفر نبود. این دوصد و هفتاد نفر دیگر از کجا شد که رای داد؟!

رئیس کمیسیون گفت: من وظیفه داشتم که انتخابات برگزار کنم و نام برنده را اعلام می کنم که غلام خان است. هیچ اعتراضی قابل سمع نیست. سروصدای مردم بلند شد که اگر هدف انتصاب غلام خان بود پس انتخابات و سرگردانی مردم چه معنی داشت؟ اما کو گوش شنوا!! جوانی به شوخی گفت: شما بیکار بودید وقت کوچه گردی ما را ضایع کردید!! یکی از رای دهنده گان در حالیکه انگشتش را که رنگ شرکت در انتخابات ریاست جمهوری هنوز بر آن خود نمائی می کرد به دیگران نشان می داد، گفت:

- او برادر! وقتی در انتخابات وکیل گذر که مقام مهمی هم نیست، جلوی چشم ما که رای دادیم چنین تقلب صورت می گیرد، خدا می داند در انتخابات ریاست جمهوری که قدرت است و میلیون ها دالر پول، چه تقلباتی صورت گرفته است!! فردایش من به ناحیهٔ مربوط شاروالی رفتم و با رئیس ناحیه صحبت کردم. وی با لبخند گفت که ما تابع امر هستیم و از مقام بالا به ما دستور داده شده بود تا ترتیب رای گیری را طوری بگیریم که غلام خان پیروز شود. او شخصی است که با مقامات بالا شناخت دارد و می تواند کمک های بیشتری را جلب نماید که این به نفع بازسازی گذر شماست.

من متوجه شدم که مردم نفع خود را نمی دانند و این مقامات بالا هستند که تصمیم می گیرند که مردم چگونه رای بدهند!! اگر دیموکراسی به حال خود و به رای مردم گذاشته شود و از قبل مهندسی صورت نگیرد، مردم خود را (افگار) خواهند کرد!!

ايا مصري واکمن په ولسواکۍ...

چې په همدې منظور يې د ولسمشرۍ څوکۍ ته د سيالۍ لپاره خپل ځان نوماند کړی هم دی. پداسې حال کې چې دالاخوان المسلون دپياوړي ګوند په ګډون ځينو نورو ډلو هم دغه ټاکنې تحريم کړي او يوازې د پخواني مصري واکمن (جمال عبدالناصر) ګوند مشر دکتور حمدين ښايي ورسره سيالي وکړي. چې په همدې لړکې دتيرې چهارشنبې په ورځ عبدالفتاح السيسي په يوه غونډه کې اعلان وکړ چې نوموړی به په ټاکنو د بريالېتوب وروسته د الاخوان المسلمون ګوند نورختم کړي او د دغه ګوند د فعاليت په وړاندې به دروازې وتړي او بيا زياتوي چې دغه کار به دی پخپل نه، بلکې د مصر خلک ترسره کړي.

اوس پوښتنه داده چې آيا ولسواکي دې ته وايې، چې ولس يرغمال شي او په ولس کې پراخې ريښې لرونکی ګوند ناقانونه اعلان کړای شي؛ په زرګونو مشران يې زندانونو ته وغورځول شي او د دريو زرو څخه زياتو وګړو پرخلاف يې د اعدام حکم وشي، نو بيا ټاکنې له چاسره اعلانيږي اوسيالي له چا سره صورت مومي؟ آيا دا دولسواکي پورې ملنډې وهل ندي؟ او آيا د ملګرو ملتونو منشور کې درياستي استبداد مخنيوي لپاره څه مواد شته؟ که وي نو لکه چې پدې پلمه کله د سوډان ولسمشر او کله ايراني رژيم ګوابنلی کيږي، نوبيا د مصري ديکتاتور واکمن او دهغوی تر مينځه توپير به څه کې دی؟ پداسې حال کې چې دی د دې پيړۍ مصري فرعون دی او په يوويشتمه پيړۍ کې د ولسواکۍ ترنامه لاندې سوته کراسي او فرعوني بادشاهت غواړی؟!! او هم دا پوښتنه خواب غواړي: چې کله د صدام حسين او معمر قذافی حکومتونه د ولس د خوښې پرخلاف رژيمونه وو، نو آيا د سعودي او متحده آماراتو رژيمونه ولس ته د منلو وړدي چې امريکا او لوېديځه نړۍ يې د ولسواکۍ پر خلاف کړنو تر سره کولولپاره پالي او د بل هيواد د ولسواکه رژيم د پرځولو لپاره لګښت په غاړه اخلي؟

فاجعهٔ روستای آب باریک، ابعاد افقی و...

اخلال در روند توزیع کمک ها انتقال برخی از نهادهای کمک رسان و نمایندگان مردم را برانگیخت. فوزیه کوفی نمایندهٔ مردم بدخشان در مجلس نمایندگان می گوید "در چند روزی که در محل حاضر بودیم، روند توزیع کمک ها خیلی کُند به نظر رسید. به باور وی کمک‌ها به مستحقین اصلی نمی رسد، زیرا بین تشخیص نیازمندی ها و کسانی که کمک می کنند هماهنگی لازم وجود ندارد.

توجه به باز ماندگان حادثه

با آنکه هنوز از سرنوشت جان باختگان خبری نیست و تعدادی کمی اجساد از زیر خاک بیرون کشیده شده، اما خطر رانش زمین کماکان در محل وجود دارد و احتمال می رود که بخش های دیگر این کوه بلغزد. بنا بر این ضرورت است تا افراد باقی مانده به جاهای مصؤون انتقال یابند. تصاویر ها نشان می دهد که صدها زن و مرد و کودک بدون سرپناه و سقف آواره اند و در انتظار سرپناه به سر می‌برند. در عین حال برخی ها به این باورند در صورتی که به مشکل اسکان مجدد بی جا شدگان توجه نشود، در آیندهٔ نزدیک مردم محل دچار حوادث خطرناک می شود. طی چند روز گذشته صدها طفل بازمانده به مرض های سرفه و اسهال گرفتار شده اند.

با این حال، شمار زیادی از گروه‌های داوطلب برای کمک رسانی و نهادهای خیریه تلاش می‌کنند که کمک‌های خود را به صورت مستقیم در اختیار نیازمندان در منطقه قرار دهند.

جدا از حوداث ارگو طی روزهای اخیر ولایات شمال کشور شاهد رخدادهای طبیعی مانند سرازیر شدن سیلاب بود. دراین حوادث به صدها نفر جان هایی خود را از دست دادند و ده ها خانواده به زیر آب فرو رفته است. تعدادی زیادی مواشی نیز تلف شده است. که باید به آنها نیز رسیده گی لازم صورت گیرد.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

●مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا
از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم –سال سیزدهم – شمارهٔ ششم ۲۰ ثور ۱۳۹۳ ۱۰ رجب المرجب ۱۴۳۵ 10 May 2014

بشار الاسد په هدبره کې ټاکنې اعلانوي

شفیق

د سوریې د بعثي رژیم مستبد واکمن (بشارالاسد) وروسته لدې چې د سوریې د ملي پاخون ترسره کړي خپل ولس له نمایندگانو سره یې، د خبرو اترو ټول پړاوونه ناکام شو، پدغه هیواد کې یې د جون په دریمه نېټه د ټاکنو تر سره کولو لپاره اعلان وکړ او د اپریل له ځلېرویشتمې نېټې څخه یې د ولسمشرۍ د ټاکنو لپاره نوم لیکنه اعلان کړه.

د عربي هیوادونو له پخوا څخه هم، په خپل ولس پورې دا ډول ملنډې وهل عادت دی؛ په عراق کې به صدام حسین چې کله ډرامایي ټاکنې ترسره کولې نو پایله به یې تل نهه نوي اعشاریه څو (!!) د ده په حق کې وه، ښایي بشارالاسد هم اوس دغه لوبه کول غواړي او نړیوالو ته ښودل غواړي چې گویا سوریایي ولس دده تر شاه ولاړ دی. خو پوښتنه داده چې کله بشارالاسد دومره ډاډمن دی نو بیا د پایتخت (دمشق) شاوخوا اوهم وریسې د دوه وو مهمو ښارونو (حمص او حلب) کې دنوموړي پرخلاف را اوچت شوي خلک څوک وو او په کوم ځواک یې ورڅخه د سوریې ډېرې او ان تردې چې مرکزي سیمې نیولې وې؟

او دا چې د سوریایي ولس د ملاتړ ادعاء لري نو د اوه ملیونو په شاوخواکې له هیواده بهر وتلی سوریایي ولس لیوني دی، چې خپله خاوره پرېږدي او د مهاجرت شپې غوره کوي؟ ان تر دې چې په اردن، ترکیه او لبنان کې د نه پاللو او ورته د خدماتو نه تر سره کېدو له امله یې چیغې په رسنیو کې هم خپرېږي؟ چې څو ورځې وړاندې هم د اردن په یو مهاجر کیمپ کې د کیمپ د مسوولینو او سوریایي مهاجرینو تر مینځه نښته ترسره شوې وه.

که چېرې اسد پخپل ولس کې محبوبیت لرلی نو، پرخلاف یې ولې ملي پاڅون ترسره کېده؟ او که فرض کړو چې دغه پاڅون په ناحقه او د پردیو په ملاتړ ترسره شوی، لکه چې بعثي رژیم یې ادعاء لري نو تر څو چې یو دولت مخالف حرکت او خوځښت ولسي ملاتړ ونلري، کله کولای شي دومره پراخه شي چې د هیواد مهم ښارونه هم ونیسي؟ لکه د سوریې د حکومت مخالفینو چې کوم ځواک لاسته راوړی وو او له خپل حکومت څخه یې وار پارخطا کړی وو، چې بالاخره د ایران پاسدارانو او د حزب الله ملیشو یې هم ننگې ته ورودانگل او پخپله د سوریې مستبد حکومت یې پرخلاف له هر ډول وسلو کارولو، بمباریو تر سره کولو او ان تردې چې د کیمیاوي او شیمیایي وسلو له کارولو هم ډډه ونکړه، چې نږدې یو کال وړاندې یې یوازې په یوه حمله کې د څلورو سوه وو په شاوخوا کې له بې گناه او ملکي وگړو څخه ژوند اخستی وو او بیا د تېر کال له دسمبر میاشت څخه راپدیخوا یې د بمباریو لړۍ ته نورو هم دوام ورکړی، چې هره ورځ په لسگونو بې گناه انسانانو څخه د ژوند نعمت اخلي!!

د تېرې پنجشنبې په ورځ یوازې حلب ته نږدې د عطارې په ښارگوټي باندې بمباري کې یې (چې جټ الوتکو ترسره کړې) اوه ویشت بې گناه انسانان ووژل او په لسگونو نورېې ټپیان کړل. مگر هغه امریکا چې بشارالاسد خپل دښمن گڼي، هغه هم یوازې په همدې کې د سوریې د قضیې حلویني، چې کیمیاوي او شیمیایي وسلې او دغه چاودیدونکې توکي یې د ناروېژنې بهرې بېړیو په وسیله له سوریې وویستلې او په بحر کې یې په یوځای کې په امریکایي کښتیو کې خالي کړې!! چې دا هم یوه معما ده؟

مگر د سوریې مهاجرین چې اصلاً د بشار الاسد د ظلمونو او رندو بمباریو لامله یې خپل هیواد پرېښې او د هجرت سختې شپې سبا کوي، د هغوی هغه هیلې هم په اوبو لاهو شوې چې د مذاکراتو ترشا یې لرلې؛ ځکه په مذاکراتو کې د بشارالاسد نمایندگانو زړې اوتې بوتې تکرار کړې او د امریکا او د سیمې دخیلو هیوادونو هیلې هم په اوبو لاهو شوې. که چېرې امریکا په بشارالاسد ربښتونی فشار راوړی وای نو اوس به روسیې په اوکراین باندې د یرغل لپاره سترگې نه سرې کولې او کریمیا به یې ورڅخه نه شوه شلولی، چې لا د نورو سیمو هم خپل هیواد ته د پیوست کولو او یا کم ترکمه په اوکراین کې د یو داسې فدرالي نظام د رامینځته کولو لپار. تیاري نیسي چې هره شیبه د اوکراین د تجزیه کولو توان ولري.

او هم د سوریې په قضیه کې د امریکا د خپل غرضی او اسلامپالنې سره د دښمنی روحیه وه چې په سوریه کې یې روسیې او د بشارالاسد نورو ملگرو هیوادونو ته اشاره شنه کړه، چې لامله یې اوس د اسد رژیم په ډېره بې رحمی سره هره ورځ په سوریایي ولس بمباری کوي او امریکا د اوکراین غمیزې ته کډه وړي!! او په سوریه کې دی بشار الاسد په یوه داسې هیواد کې ټاکنې اعلانوي، چې د ولس دریمه برخه وگړي یې مهاجر شوي او دې ته ورته شمېره یې په هیواد کې دننه بې ځایه شوي دي، نو چې نړۍ چپ اوسي، بشارالاسد هم زړه ورتیاپیدا کوي چې د خپل واک غځولو لپاره اوس په هدیره کې هم ټاکنې تر سره کول اعلان کړي.

اعلان مساعدت

قرار فیصلهٔ شورای اجرائیهٔ جمعیت اسلامی افغانستان، کمیسیون سه نفری (عبدالکریم خدام، شهاب الدین شهاب و خانم پری گُل سروری) توظیف گردیده اند مساعدت های نقدی و جنسی کمک دهنده گان را جمعآوری نمایند تا بعداً برای آسیب دیده گان و مستحقین حادثهٔ آب باریک ارگوی بدخشان و صدمه دیده گان سیلاب های مدهش اخیر در برخی ولایات شمال کشور توزیع گردد.

از همه مردم خیراندیش کشور، بخصوص اعضای جمعیت اسلامی تقاضا می نماییم تا کمک های شان را به کمیسیون تعیین شده که مقر آن در دارالانشای جمعیت اسلامی می باشد تسلیم داده، متضررین حوادث اخیر را یاری رسانند.

دارالانشای جمعیت اسلامی افغانستان

شماره های تماس:

۰۷۷۵۴۵۲۶۸۳ / ۰۷۰۷۳۲۳۳۳۳

وارده

گزارشی از انتخاب وکیل گذر محلهٔ ما!

ابوبکر سبزوار

ما در محلهٔ خود وکیل گذری داشتیم که بعد سقوط رژیم طالبان به این سمت منصوب گردیده بود. در این اواخر وی به دلیل بیماری ... به کناره گیری گرفت و دو نفر از اهل گذر ... رسیدن به این منصب بدون مزد و مواجب، ... به رقابت برخاستند.

یکی از کاندیدا ها معلمی بود که در تمام ... های مصیبت مردم محل همراه با آنان با تسلیمات دست و پنجه نرم کرده بود. اکثریت مردم وی را شخصی مناسب برای جانشینی وکیل سلف می پنداشتند. اما کاندیدای دیگر غلام خان نام داشت. مردی بود زبان آور و زیرک که خانمش نیز با نهاد های جامعهٔ مدنی در رابطه بود. او هرچند تاکید داشت که فردی از جنس مردم همین گذر و محل است اما به این دلیل که عمری را در خارج از کشور سپری کرده بود، کمتر کسی او را بیاد داشت.

هردو کاندیدا از چند روز قبل دست به کمپاین زدند و سرانجام به مردم خبر دادند که روز شنبه در مسجد جامع گذر، انتخابات برگزار خواهد شد و از مردم خواستند تا در رای دهی شرکت کنند. من نیز بعنوان فردی از اهل محل، با این احساس مسوولیت که «رای دادن هم حق است و هم وجیبه» در روز و ساعت موعود راهی مسجد جامع محل شدم.

حدود ۲۵۰ تن در مسجد گرد آمده بودند که اکثر شان از هواداران معلم صاحب بودند اما غلام خان بسیار خونسرد و مطمئن به نظر می رسید. اندکی بعد اعضای کمیسیون انتخاب وکیل گذر که از طرف ناحیهٔ مربوطه توظیف شده بودند، به محل آمدند. مدتی طول کشید تا نمایندهٔ حوزهٔ پولیس و نمایندهٔ امنیت ملی هم برای تامین امنیت انتخابات به محل رسیدند و مراسم رسماً با سخنان نمایندهٔ ناحیهٔ مربوط شاروالی و رئیس کمیسیون انتخاب وکیل گذر آغاز شد.

نمایندهٔ ناحیهٔ شاروالی در سخنان خویش گفت که، در گذشته در این کشور هرکسی که به وکالت گذر می رسید، تا دم مرگ در این سمت باقی می ماند و بعد از وی پسرش جانشین وی می شد اما اکنون که آفتاب تابناک دیموکراسی در کشور تابیده است، مردم خود شان نمایندهٔ خود را انتخاب می کنند. من وظیفه دارم تا این پروسه را بشکل شفاف آن مدیریت کنم و لازم به تذکر می دانم، این اولین باری است که انتقال مسوولیت از یک وکیل گذر جانشینش به شکل انتخابی صورت می گیرد. اکنون نوبت وکیل قبلی است تا به عقب میکروفون آمده و در مورد کارکرد های سیزده سال گذشتهٔ خویش به مردم معلومات بدهد.

وکیل قبلی که احساس کرده بود ممکن است مورد استجواب قرار گیرد، در صحنه حاضر ... با احساس اینکه ممکن است از وی دعوت به سخنرانی صورت گیرد، فرار را بر قرار ترجیح داده بود، بنابراین نوبت به کاندیدا ها رسید تا در ... برنامه های کاری خود سخن بگویند.

معلم، نخست لب به سخن گشود و گفت: ... شما مردم مرا خوب می شناسید. نیازی ... خود را به شما معرفی کنم زیرا فردی ... شما هستم و به خواست شما خود را کاندید ... مقام نموده ام. هدف من خدمت به شما ... و اگر فکر می کنید که من شایسته این ... هستم، به من رای دهید. با توجه ... نابسامان شاروالی کابل، من نمی توانم ... وعده های زیاد بدهم که بعد

ص ۷



مردمی که در چنین شرایط نا مساعد جوی و امنیتی رأی شان را بخاطر سرنوشت آیندهٔ شان استعمال نمودند اجازه نمی دهند در آرای شان دستبردی صورت گیرد!